

آینده کشاورزی فاریاب: بقاء یا فناء

دکتر امیر اسلامی

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس

دکتر کامران داوری

مدیر کارگروه محیط‌زیست، آب، کشاورزی و منابع طبیعی اتاق فکر

استان خراسان رضوی

۲۷ مرداد ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۲۲۰۰۲۲۱

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

است و از آن نیز کمتر نخواهد شد. درعین‌حال، راه‌حل جدی صرفه‌جویی آب نیز در همین بخش است؛ بنابراین از یک‌طرف با یک پارادوکس روبرو هستیم و از طرف دیگر چاره‌ای هم به‌جز صرفه‌جویی آب نداریم و فرصت پیش رو بسیار اندک است. پس تصمیم‌گیری در این خصوص بسیار پیچیده بوده و چنانچه همه‌ی جوانب امر (به‌صورت تصویر کلان) دیده نشود فاجعه‌ای بدتر از وضعیت حال حاضر پیشرو خواهیم داشت.

بیان چالش

برای بیان و شفافیت پیدایش چالش کنونی بحران آب برخی از سؤالات که نیازمند تأمل‌اند به شرح ذیل مطرح است:

مقدمه

وزیر نیرو در مردادماه ۱۳۹۴ اعلام کرد: "در آمار مصرف آب بخش کشاورزی نباید تشکیک ایجاد کرد، به‌طوری‌که در حال حاضر میزان مصرف آب در این بخش ۸۵، ۹۰ و ۹۲ درصد اعلام می‌شود که این مسئله در ماهیت بحران تغییری ایجاد نمی‌کند." در واقع اگرچه بخش کشاورزی حدود ۹۰ درصد از حجم آب تخصیص داده‌شده را مصرف می‌کند؛ اما نگاهی اجمالی به گذشته‌ی این بخش، نشان می‌دهد که توسعه‌ی پدید آمده در بخش کشاورزی مسلماً یک شبه نبوده و نتیجه‌ی یک نگاه کلان، تفکر جمعی و اتفاق سراسری و یکپارچه در کشور بوده است. البته در اکثر مواقع این توسعه مورد تشویق و یا حتی حمایت نیز واقع شده است. ضمناً باید یادآوری نمود که از دوره‌ی ممنوعه شدن دشت‌ها، مجوز جدیدی برای بخش کشاورزی صادر نشده است. با این حال، آیا درست است که در حال حاضر و با پدید آمدن بحران کمی و کیفی منابع آبی در کشور، انگشت اتهام به سمت بخش کشاورزی گرفته شود؟ و آیا عادلانه است که کشاورزان را مقصران اصلی این بحران بدانیم و حتی کار به‌جایی برسد که از آن‌ها به‌عنوان «قاتلین آب» یاد کنیم؟ ما هم مانند وزیر محترم نیرو تأکید می‌نماییم که نباید به دنبال مقصر بود و می‌بایست چاره‌ای اندیشید تا از روند رو به رشد خسارات جلوگیری به عمل آورد. ذکر این نکته هم ضروری است که نباید اقلیم خشک کشور فراموش شود. در چنین اقلیمی، مصرف آب در ایران برای کشاورزی فاریاب به همین اندازه

۱- آیا برای تأمین آب می‌توان کشاورزی را در کشور

به حداقل ممکن رساند و یا حذف کرد؟

برای پاسخ به این مورد بایستی به اهمیت کشاورزی و ضرورت وجود آن برای کشور توجه شود:

۱-۱- تولید غذا: هرچند که در حال حاضر، با

کاهش شدید کمیت و کیفیت منابع آبی رو به‌رو هستیم و رسیدن به خودکفایی حتی در محصولات استراتژیک راه‌حلی منطقی به نظر نمی‌رسد ولی از طرف دیگر بایستی ظرفیت تولید کشاورزی (زارع، مزرعه و آب) را حفظ نمود؛ تا چنانچه اگر کشور با تهدیدی بیرونی و تحریم مواجه شد، بتوان از ظرفیت داخلی کشور جهت تولید مایحتاج ضروری استفاده نمود. پس لاجرم بایستی به هر قیمتی که شده ظرفیت استراتژیک کشاورزی را در کشور حفظ نماییم.

۲-۱- اشتغال: نباید از یک نکته مهم نیز غافل ماند

که حدود ۲۰ درصد از اشتغال کشور در بخش کشاورزی قرار دارد. متأسفانه با بحران‌های ایجاد شده سهم اشتغال در بخش کشاورزی رو به کاهش است.

۳-۱- توزیع جمعیت: نکته‌ی بسیار بااهمیت در

بخش کشاورزی و اشتغال در این بخش،

توزیع جمعیتی است که در بخش‌هایی مانند صنعت به‌هیچ‌وجه قابل‌دسترس ن است. تنها به کمک کشاورزی است که می‌توان جمعیت را در مناطق مرزی کشور نگه داشت و از خالی شدن سکنه در این پهنه‌ها جلوگیری به عمل آورد.

۴-۱- **ریزگردها (رطوبت هوا...):** رطوبتی که از اراضی کشاورزی تبخیر می‌شود، سبب افزایش رطوبت هوا می‌گردد. این افزایش باعث چسبیدن ذرات معلق در هوا به همدیگر شده و منجر به کاهش ریزگردها خواهد شد؛ بنابراین به‌عنوان یکی از راهکارهای مبارزه با پیدایش پدیده‌ی گردوغبار و جلوگیری از لم‌یزرع شدن اراضی، آبیاری اراضی کشاورزی است.

نمایند. در جای دیگر از همین قانون اعلام‌شده که اگر بنا به ضرورت متولیان امر مجبور به کاهش مجوز برداشت آب گردند، می‌بایست هزینه‌ی آن را پرداخت نمایند؛ بنابراین بر چه اساسی و با چه حقی مجوزهای برداشت آب را کاهش می‌دهند؟ چنانچه بحران ایجاد شده بدون جامع‌نگری و عدم رعایت قانون، ادامه یابد، هم از لحاظ حقوقی/ شرعی و اخلاقی اشکال ایجاد می‌نماید و هم آثاری مانند تشکیک در حقانیت نظام به وجود خواهد آورد؛ بنابراین برای جلوگیری از تزلزل در عدل و حقانیت دولت و نظام، نمی‌توان از این مسائل به‌سادگی عبور نمود. نتیجه این‌که تصورات اشتباه مانند اینکه کشاورزان در به وجود آمدن بحران پیش رو مقصرند و دیگران هیچ‌گانه‌ی ندارند اشتباه محض است.

۳-۲- **توجه به حقابه داران مجاز:** در حال حاضر این

گروه به‌شدت رنجیده‌خاطرند. اگر متولیان امر با این گروه تعامل نموده و آن‌ها را همراه خود داشته باشند، آن‌ها نیز در بهبود وضعیت نقش بسزایی ایفا خواهند نمود و مانند «سربازان پیاده‌سوار عدالت» در پاسداری از منابع دریغ نخواهند کرد؛ بنابراین تصمیمات اتخاذشده‌ای که به‌اشتباه فقط برای این گروه اتخاذ می‌شود (مانند کنترلی‌گذاری) تنها برای کنترل برداشت این گروه می‌باشد؛ درحالی‌که برای گروهی که غیرمجاز آب برداشت می‌نمایند این کنترل‌ها صورت نمی‌گیرد (به بهانه‌ی اینکه در این صورت به چاه‌داران غیرمجاز رسمیت خواهیم داد!). آیا این موضوع انصاف است؟

۴-۲- **لزوم توجه به کاهش تعارضات:** مسلماً کاهش

تعارض در یک جامعه جزئی از اساسی‌ترین ارکان یک نظام است. قطعاً برای حل بحران به وجود آمده در منابع آب و مسئله‌ای به این پیچیدگی نیازمند داشتن سرمایه اجتماعی و به‌کارگیری صحیح آن‌ها خواهیم بود. به‌طور مثال در شهری مانند مشهد چنانچه بخواهیم با همین منابع موجود تقاضاها را پاسخ دهیم، چاره‌ای جز صرفه‌جویی تا حد نصف شدن برداشت‌ها نداریم که

۲- **کشاورزان چه اهمیتی دارند و سوء رفتار با آنها چه عواقبی در پی خواهد داشت؟**

۱-۲- **کاهش کشاورزی:** رکود کشاورزی باعث مهاجرت روستائیان به شهر، در نتیجه افزایش حاشیه‌نشینی در شهرها می‌شود. کشاورز قبل از مهاجرت اجباری، در منطقه و روستای خود صاحب مال و مکتب و جلال بوده است. وی در حال حاضر به علت تنگ‌دستی در شهر به‌عنوان حاشیه‌نشین سکونت می‌کند و با مسائل اجتماعی فراوان که دامن‌گیر خود و خانواده او است، دست‌وپنجه نرم می‌کند. آیا واقعاً این زندگی حق اوست؟

۲-۲- **حق و حقوق کشاورزان:** همان‌طور که درباره‌ی

عدل و عدالت بحث می‌شود، به‌راحتی نمی‌توان حقوق ذاتی افراد را پایمال نمود. در قسمت‌های مختلف قانون توزیع عادلانه آب به‌صراحت قید شده است که اگر حقابه‌ی صاحب آب، بر اساس اشتباهات عمدی کاهش یابد، مسبب آن کاهش، می‌بایستی خسارت وارده را جبران نماید. حتی چنانچه اشتباهی از سوی کارشناسان ذی‌ربط صورت پذیرفته باشد، باید خسارت وارده را جبران

این بسیار سخت و چالش‌برانگیز است. پس انجام چنین کار بزرگ و سختی در وحله‌ی اول نیازمند فرهنگ‌سازی است. نباید فراموش کرد که یکی از جنبه‌های اصلی مسائل فرهنگی و فرهنگ‌سازی، دادن حس عدالت به جامعه است که این حس به‌نوبه‌ی خود باعث آرامش و امنیت می‌شود.

۵-۲

لزوم توجه به گروداران: آیا واقعاً تمامی گروداران (ذینفعان، ذی‌مدخلان و علاقه‌مندان)، حرف مسئولین را که به‌صورت مداوم از بحران آب صحبت می‌کنند، متوجه می‌شوند؟ آیا درک درستی از وضعیت زیرزمین و سفره‌های آب زیرزمینی، به‌عنوان منبع اصلی برداشت آب، دارند؟ در صورتی که جواب منفی باشد (حتی در خصوص درصدی از آن‌ها) پس نمی‌توان توقع داشت که حرف متولیان را درک و در این راه دشوار آنها را همراهی نمایند.

بنابراین می‌بایست از هر طریق ممکن با گروداران آب بحث و گفتگو نمود و مسائل و چالش‌ها را به‌صورت شفاف به آنها توضیح داد؛ تا متوجه شوند حق و حقوقشان رعایت و به عبارتی خدشه‌دار نمی‌شود. در این صورت است که احساس عدالت در آن‌ها بروز می‌نماید. در این صورت است که آرامش و امنیت پدیدار شده و در واقع فضایی برای گفتگوی مثمر ایجاد خواهد شد. در واقع، در چنین فضایی می‌توان آموزش‌های لازم را ارائه و با فراهم نمودن بستر جهت حل مسائل به اهداف موردنظر نزدیک شد.

۳- نهاد آب و مدیریت آن تا چه اندازه در بهبود وضعیت منابع آب مؤثر خواهد بود؟

در حال حاضر وزارت نیرو در رأس حاکمیت آب قرار دارد. جهت حاکمیت بر آب، نیاز به یک بستر حکمرانی جامع خواهد بود. این بستر شامل سایر وزارتخانه‌ها از جمله جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز خواهد بود. حتی با نگاهی کامل‌تر به بستر حکمرانی می‌توان شرکت‌های دولتی یا خصوصی (مانند شهرداری‌ها و ...) و آبخیزنشینان را نیز جزئی از این بستر در نظر گرفت. مسلماً اگر انتظار پیاده‌سازی صحیح

مصوبات یک قانون مدنظر است، می‌بایست آبخیزنشینان به آن قوانین خو نمایند تا پیاده‌سازی مصوبات قانونی آن دچار خدشه نگردد؛ بنابراین، آب‌بران، آبخیزنشینان و حتی سایر افراد (آب‌نبران) همگی جزئی از نهاد مدیریتی آب به حساب می‌آیند. در واقع نمی‌توان زندگی‌هایی را که در طی قرن‌ها متمادی در کنار قنات‌ها و یا رودخانه‌ها شکل‌گرفته است را نادیده گرفت و نقش عموم مردم را در تصمیم‌سازی‌ها کم‌رنگ دید. پس ضروری است تا از طریق بحث و گفتگوی نظام‌مند و حتی با زبان خود مردم مسائل را برای آن‌ها مطرح نمود. از این طریق می‌توان چالش‌های کنشگران را تحلیل و قدرت نفوذشان را برآورد نمود. درنهایت با توجه به نتایج تحلیل‌ها و با رفتاری نظام‌مند در مسیر تعالی گام‌های اصلاحی برداشته شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نگاه یک‌جانبه به مسئله‌ی مدیریت آب کاملاً غلط و مردود است و حتماً مسائل را پیچیده‌تر نموده و ممکن است به عواقبی وخیم‌تر از وضعیت کنونی بیانجامد. باید به این واقعیت رسید که بخش کشاورزی گرچه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی آب است اما متهم نمودن این بخش به هرز دادن آب اتهامی واهی است. با توجه به کم‌آبی‌های به وجود آمده در سال‌های اخیر، عمده‌ی کشاورزان از طریق مدیریت تطبیقی خود را با این موضوع وفق داده و حتی از هدر رفت یک قطره‌ی آب هم جلوگیری می‌نمایند. تا جایی که اعمال کم‌آبیری بیش از این، موجب نگرانی متخصصین نسبت به شور شدن اراضی می‌گردد. پس به قول سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید». جای بسی تأمل دارد که آیا این اتفاقی که برای این قشر زحمت‌کش افتاده است، در اثر رفتار اشتباه متولیان امر نبوده است؟ و یا اینکه سهم آن‌ها در این مصیبت پیش‌آمده چقدر است؟ در چنین فضایی مدیریت تقاضای آب بایستی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا همان‌طور که توضیح داده شد انتقال آب با هزینه بالا پایدار نخواهد بود. اساس و پایه‌های پایداری عبارت‌اند از: عدالت، انصاف، بهره‌وری جامع و

مخاطره پایین. بدین معنی که در هر طرح موفق و پایدار تمامی این جنبه‌ها باید مدنظر قرار گیرد. چنانچه حرکت در مدیریت آب بر این اساس صورت گیرد مسلماً کاهش تعارضات را نیز در پی خواهد داشت. با این وجود، راه‌حل بحران فعلی آب در کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی برای جبران نیازهای شهر، صنعت و نیز به‌منظور تعادل بخشی سفره‌های آب زیرزمینی است؛ بنابراین برای بقاء کشاورزی فاریاب راهکارهایی به‌منظور کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی شامل: یکپارچگی اراضی در قالب شرکت‌های مهندسی زراعی، یکجا کشتی، ارتقاء مدیریت‌های به‌زراعی و به‌نژادی (استفاده از ارقام پر محصول و مقاوم)، کم‌آبیاری‌های تنظیم‌شده، رعایت تناوب‌های زراعی، بهنگام سازی سند ملی آب و توصیه سناریوی کاشت محصولات بر اساس الگوی بهینه کشت (بطوریکه کمترین مصرف آب و درعین‌حال کمترین کاهش درآمدی کشاورزان را در برداشته باشد) پیشنهاد می‌گردد؛ اما بایستی بپذیریم که مسیر مطمئن برای دستیابی به این اهداف و موفقیت در اجرای طرح‌های مزبور، از جاده‌ی انصاف با ابزار فرهنگ‌سازی و عبور از منازل «مشارکت مردم در مدیریت آب»، «توجه به یکپارچگی منابع آب» و «تعیین ارزش واقعی آب و دریافت آن» می‌گذرد. در یک کلام راه‌حل اساسی چالش بحران کنونی آب «حکمرانی خوب آب» است.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.